

هفته پیش، پس از ۵۰ سال تلاش و طبابت، قرار بود از دکتر سیادتی در مراسمی بهرامی افسانه

بوی خداحافظی می‌داد. خودش هم احساس کرده بود. وقتی پشت تریبون قرار گرفت با خنده جالبی گفت: «من با تمام سلول‌های بدنم دوست دارم خدمت کنم. هیچ‌وقت خدمت برای من تمام نمی‌شود. من از شش صبح تا دو بعد از نیمه‌شب کار می‌کردم. الان دعا کنید تا من سلامت نسبی به دست بیآورم تا بتوانم ۲۴ ساعته به مردم مملکت‌مان خدمت کنم. جناب دکتر صدرا! من فکر می‌کنم اگر شما اجازه بدهید و خدا هم بخواهد تا ۵۰ سال دیگر من خدمت می‌کنم» که همان لحظه یکی از مدعوین در مراسم گفت: «دکتر! از خدا بیشتر بخواهید تا کم‌اش را بدهد.» و با این جمله حضار شریع کردند به خنده.

مراسم بزرگداشت دکتر سیداحمد سیادتی پیشکسوت طب اطفال و رییس شورای عالی نظام پزشکی به میزبانی سازمان نظام پزشکی و همکاری انجمن پزشکان کودکان و دانشگاه علوم پزشکی تهران در روز سه‌شنبه پانزدهم مرداده‌ا در تالار عقیق بیمارستان امام خمینی در حالی برگزار شد که چیلرهای سالن خراب بودند و با توجه به گرمای بیش از اندازه سالن، لحظه به لحظه بر تعداد حضار در مراسم افزوده می‌شد.

دکتر صدر: تجلیل از دکتر سیادتی، یک رفتار نمادین است

دکتر صدر اولین سخنرانی بود که روی سن رفت و از زحمات دکتر تشکر کرد. وی در رابطه با فعالیت‌های دکتر سیادتی در سازمان نظام پزشکی اظهار داشت: «نزدیک به ۱۲ سال است که در سازمان نظام پزشکی همکاری داشته‌ایم. حضور وی در مجامع علمی روشن و زیان‌زدخاص و عام‌است. او همواره با نظم و انضباط و حضور فعال در جلسات و مجامع علمی شرکت کرده‌است. به‌دنبال برگزاری برنامه‌های آموزشی مداوم طی سال‌های گذشته مسوولیت بخش عمده‌ای از رشته‌های گوناگون برعهده دکتر سیادتی است. وی در ادامه افزود: «بعداً حدود ۴۰ تا ۵۰سال خدمت پزشکی شاهد هستیم که دکتر سیادتی همواره تادیر وقت بارویی گشاده با بیماران و همراهان آنها برخورد می‌کند.» رییس سازمان نظام پزشکی در بخش دیگری از سخنرانی‌اش به قدر و قیمت ابراز علاقه و محبت در زمان با هم بودن تاکید کرد و از مراسم تجلیل دکتر سیادتی به‌عنوان یک رفتار نمادین برای تجلیل از پیشکسوتان جامعه پزشکی یاد کرد.

دکتر زالی: او پایه‌گذار مهندسی جدید طب اطفال در ایران است

رییس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از دیگر سخنرانان این مراسم بود که از دکتر سیادتی به عنوان یک استاد ممتاز در عرصه اجتماعی یاد کرد و گفت: «برخی از عملکردهای وی زبانزد خاص و عام است. هنگامی که جامعه با کمبود پزشک عمومی و مشکلاتی از این قبیل مواجه بود دکتر سیادتی با شجاعت به گسترش رشته‌های فوق تخصصی اقدام کرد. وی با تبحر خاصی پایه‌گذار این حرکت آکادمیک علمی در سطح دانشگاه‌ها بود. کثرت رشته‌های فوق تخصصی امروز، وامدار تلاش‌های دکتر سیادتی است.» بنابر گفته‌های دکتر زالی مطب دکتر سیادتی محل ارایه خدمت نیست بلکه مستمعان دانشگاه‌های غیرپزشکی خود را در عملکرد استاد جویا می‌شوند. این عوامل

گزارشی از مراسم تجلیل از دکتر سیداحمد سیادتی

آشنای قریب



اسوه‌های اخلاقی برای نسل جوان پزشکی است که باید در میان آنها نهادینه شود. بنابر اظهارات دکتر زالی، دکتر سیادتی با آنکه پایه‌گذار مهندسی جدید طب اطفال در کشور است اما از حضور در مدارهای نوین دانش غافل نشد به طوری که بازشناسی و نگاه عمیق به بیماری کلاوزکی از ذهن فعال وی نشأت می‌گیرد.

اسوه‌های اخلاقی برای نسل جوان پزشکی است که باید در میان آنها نهادینه شود. بنابر اظهارات دکتر زالی، دکتر سیادتی با آنکه پایه‌گذار مهندسی جدید طب اطفال در کشور است اما از حضور در مدارهای نوین دانش غافل نشد به طوری که بازشناسی و نگاه عمیق به بیماری کلاوزکی از ذهن فعال وی نشأت می‌گیرد.

دکتر برزگر: خضوع در برابر حقیقت، ویژگی ایشان است

دکتر برزگر، نایب رییس شورای عالی نظام پزشکی وقتی به عنوان یکی از سخنرانان مراسم روی سن قرار گرفت از استادیار شدن، دانشیار شدن و استادی به‌عنوان مقام‌های خوشایند انسانی یاد کرد و افزود: «این استادی با آن استادی واقعی که دکتر سیادتی به دست آورده‌اند کیلومترها فاصله دارد. استاد واقعی کسی است که متواضع و فروتن باشد. متواضع بودن به این معنی نیست که آدم بیفتد و دیگران از روی وی عبور کنند بلکه متواضع بودن یعنی در مقابل حق و حقیقت، در مقابل حق مردم سر تسلیم فرود بیآوریم که جناب دکتر سیادتی از این خصلت برخوردار بودند.»

دکتر یلدا: پول چه کارها که نمی‌کند!

از نکات مثبت این مراسم پرداختن به مسایل انسانی و اخلاقی حرفه پزشکی بود که به وسیله تک‌تک سخنرانان تاکید شد.استاد دکتر یلدا متخصص عفونی پس از درخواست مجری برنامه بالای سن قرار گرفت، او نیز به گونه‌ای دیگر به جنبه‌های انسانی دکتر سیادت اشاره کرد. «من فکر می‌کنم این رفت و آمدها، سر و صداها، گل‌ها برای چیست؟ اینها همه تظاهر است یا اگر صفاتی از استاد ذکر می‌شود واقعا باید الگو باشد و ماها به آن تاسی کنیم؟ گرفتاری ما این است که کم عمل می‌کنیم.» وی در ادامه افزود: «با تمام شرایط تحصیل در آمریکا و اروپا برای سیادتی آماده نبود؟ از مشکلاتی که مسافرت‌های خارجی ایجاد می‌کند این است که وقتی فرد به کشور برمی‌گردد خودش، خانواده‌اش و… را با خارجی‌ها مقایسه می‌کند. در صورتی که فلسفه رفتن و برگشتن به خارج این است که ما مطابق با منطقه خودمان عمل کنیم.» وی در ادامه گفت: «پزشک هنگامی که در پیشش را می‌بیند باید بلند بشود، به مریض لیخند بزند و

گزارشی از مراسم تجلیل از دکتر سیداحمد سیادتی

آشنای قریب



به او احترام بگذارد. ولی پول چه کارها نمی‌کند، این مسایل، مسایل مهمی هستند ما باید به اینها توجه داشته باشیم.»

دکتر سیادتی: توصیه می‌کنم زیاد کار نکنید!

پس از سخنرانی دکتر یلدا، دکتر سیادتی برای دریافت لوح‌های تقدیری در حالی که صدای دست زدن مدعوین او را همراهی می‌کرد پشت تریبون قرار گرفت. در این مراسم دکتر سیادتی به همراه همسرش شرکت کرده بود به گفته حضار، همسر دکتر سیادتی از دست زدن خودداری و دلیل آن را این‌طور ذکر کرد: «دوست ندارم دکتر بزرگ بالا برای اینکه خسته‌می‌شود» اما دکتر سیادتی در سخنرانی پایانی این مراسم از تمامی حضار تشکر و قدردانی کرد و اظهار داشت: «پزشکان کشور ما مردمانی شریف هستند، عاشقانه مردم را دوست دارند و خدا را ناظر و شاهد می‌گیرند تا در تمام موارد به مردم خدمت کنند. حالا شاید یک پزشکی در برابر مریض خنده نکند ولی بیشتر اطبای ما اشخاص ارزنده‌ای هستند. از مسوولان محترم بهداشتی کشور درخواست می‌کنیم حتما از این قشر قدردانی شود، چون قدردانی و تشکر افراد را راضع به انجام کارهای مفید می‌کند.» وی در ادامه گفت: «بیشتر از این وقت عزیز شما را در این اوقات گرم نمی‌گیرم و فقط صحبتی دارم در زندگی سعی کنید سلامت خود را حفظ

رتبه ۵ کنکور ۱۳۲۲

دکتر سید احمد سیادتی در سال ۱۳۱۳ در خانواده‌ای متدین در شهر سبزوار متولد شد. دوران تحصیل ابتدایی را در سبزوار و دبیرستان را در مشهد به پایان رساند. در سال ۱۳۳۲ در کنکور دانشگاه تهران نفر پنجم شد و به تحصیل علم طب پرداخت. پس از شش سال با رتبه اول موفق به اخذ درجه دکتری شد. وی که از شاگردان استاد دکتر محمد قریب بود تحت تاثیر اخلاق، تقوا و شخصیت دکتر در رشته اطفال به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۷ در مرکز طبی کودکان در بخش عفونی مشغول به کار شد. سال ۱۳۶۰ به ریاست بخش عفونی مرکز طبی کودکان منصوب شد. در سال ۱۳۶۷ به درجه استادی دانشگاه علوم پزشکی تهران نایل شد. در سال ۱۳۷۵ در انتخابات نظام پزشکی حداکثر آرا را به خود اختصاص داد و از آن زمان تاکنون به عنوان عضو هیات مدیره و هیات بدوی نظام پزشکی تهران بزرگ و عضو شورای عالی نظام پزشکی کشور منشأ خدماتی ارزنده شد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه ۳۱ تحقیق در رشته عفونی اطفال انجام داده و به نوشتن و راهنمایی ۶۵ مقاله و رساله پزشکی همت گماشته و ۱۸ کتاب پزشکی را تهیه و تالیف کرده است.

بامرض داروین آشنا شوید

بیماری منییر یک نوع اختلال در گوش داخلی است که در نتیجه آن بیمار به تدریج شنوایی و تعادل خود را از دست می‌دهد



کاهش شنوایی می‌شود و اغلب این کاهش شنوایی از فرکانس‌های پایین شروع می‌شود. وزوز گوش می‌شود تا او برای انجام مشاهدات علمی می‌تواند یک‌طرفه یا دو طرفه باشد و بیمار آن را به صورت احساس زنگ‌زدن در گوش یا شنیدن خش‌خش احساس می‌کند. احساس پری در گوش و با احساس فشار هم از علامت‌های دیگر این بیماری است. بیماری منییر به‌طور معمول بایک علامت شروع می‌شود و بعد به تدریج پیشرفت می‌کند و فرد در پایان حتی ممکن است علاوه بر مشکلات تعادلی، شنوایی خود را هم به طور کامل از دست بدهد. حمله‌های سرگیجه در این بیماران گاهی شدید هستند و اغلب غیر قابل پیش‌بینی‌اند و ممکن است چند ساعت تا چند روز طول بکشند و فرد را دچار تهوع و استفراغ هم بکنند. این سرگیجه‌ها در بعضی اوقات به حالتی منجر می‌شود که سقوط حمله‌ای نام دارد؛ یک حمله ناگهانی و شدید سرگیجه که موجب می‌شود بیمار به زمین بیفتد. احساس کشیده شدن و یا هل داده شدن هم در نتیجه همین اختلال به وجود می‌آید. تعریق، اسهال، حساسیت شدید به سر و صدا و گاهی کات و پرش‌های غیر قابل کنترل چشم هم از علائم دیگر این بیماری هستند. علت بیماری منییر هنوز برای پزشکان مشخص نشده است اما آنها حدس می‌زنند این مشکلات در اثر پدیده‌ای به نام هیدروپس اندولنف به وجود بیاید. در جریان این مشکل فشار مایع داخل مجرای گوش داخلی که در سیستم شنوایی

کنید. زیاد کار نکنید تا دچار مشکلات نشوید. زیبایی، مقام، پول هیچ‌کدام به درد نمی‌خورد. فقط سلامتی به دردتان می‌خورد.» در پایان وی از حضار عذرخواهی کرد و گفت: «ببخشید من مقداری از مطالب امروز را از قبل آماده کرده و نوشته بودم چون حافظه‌ام ضعیف شده و از این بابت معذرت می‌خواهم.» پس از پایان سخنرانی کوتاه دکتر سیادتی، رییس سازمان نظام پزشکی، نماینده انجمن پزشکان کودکان ایران رییس انجمن پزشکان عمومی، رییس انجمن اشک، نماینده سازمان نظام پرستاری لوح‌هایی تصویری را به پاس زحمات دکتر سیادتی تقدیم وی کردند.■



دکتر زهره مرتضوی همسر دکتر سیادتی متخصص اطفال

سلاست: چند سال از زندگی مشترکتان می‌گذرد؟
۴۰ سال.

سلاست: چند تا بچه دارید؟
دو تا.

سلاست: در رشته پزشکی تحصیل کرده‌اند؟

بله. دو تا پسر داریم. یکی‌شان در جراحی عمومی و دیگری در جراحی مغز و اعصاب تخصص دارند.

سلاست: ایران هستند؟
خیر.

سلاست: شنیدیم شما هم متخصص اطفال هستید؛ از لحاظ کاری با دکتر مشکل پیدا نمی‌کردید؟

هیچ‌وقت! اصلا همیشه جدا از هم کار می‌کردیم.

سلاست: کارهای، تحقیقاتی دکتر را قبول دارید؟
بله قبول دارم، ولی این همه زحمت را دوست نداشتم.

سلاست: به کدام کار تحقیقی دکتر غبطه می‌خورید؟

من این‌قدر برنامه داشتم که هیچ‌وقت غبطه به کار هیچ‌کس نخوردم.

سلاست: همشهری دکتر هستید؟

خیر. من اهل تهرانم و ایشان اهل سبزوار.

سلاست: در زمینه کاری از نظرات شما استفاده می‌کردند؟

زیاد. نظرهای من را قبول داشتند.

سلاست: به نظر شما کدام کار پژوهشی دکتر برجسته‌تر بود؟

همه کارهای دکتر خوب بود.



دکتر حسین کریمی فوق‌تخصص کودکان

سلاست: آشنایی‌تان با دکتر از کی شروع شد؟

هر دویمان سبزواری هستیم. من ایشان و خانواده وی را از بچگی می‌شناسم.

سلاست: با هم اختلافات کاری پیدا می‌کردید؟ ایشان روحیه انتقادپذیر داشتند؟

من ۱۳ سال از دکتر کوچک‌تر بودم و با توجه به اینکه شاگرد ایشان بودم هیچ‌گاه اختلاف کاری پیدا نکردیم و با توجه به متواضع بودن و روحیه انتقادپذیری دکتر هرگاه متوجه می‌شدیم ایشان در کاری اشتباه کرده‌اند راحت به ایشان می‌گفتمیم و ایشان با کمال بزرگواری گوش می‌دادند و وقتی قانع می‌شدند به آن عمل می‌کردند.

یک متخصص گوش و حلق و بینی صورت می‌گیرد، آزمایش‌های شنوایی‌سنجی، تست‌های اعصاب، انجام ام.آر.آی برای رد کردن تومورهای اعصاب و آزمایش خون جزو بررسی‌های رایج این بیماری هستند. بیماری منییر هیچ آزمایش دقیق تشخیصی ندارد و به‌طور معمول فقط بر اساس شرح حال و معاینات بالینی و وجود علائم تبیین این بیماری انجام می‌شود. بیماری منییر به‌طور معمول بین سن ۳۰ تا ۶۰سالگی و در آقایان شیوع بیشتری دارد. درمان این بیماری هم با توجه به کمبود دانسته‌ها راجع به علت آن بیشتر علامتی است. درمان سرگیجه و وزوز گوش، آموزش روش‌هایی برای مقابله با این مشکلات، کمک برای کاهش مشکلات شنوایی، که همه اینها به وسیله داروهای بدون نیاز به نسخه انجام می‌شود. رژیم غذایی صحیح در درمان این بیماری نقش موثری دارد. رژیم کم‌نمک و محدودیت مصرف کافئین، الکل و دخانیات همچنین کاهش مصرف محصولات دارای آسپارام به کنترل این بیماری کمک می‌کنند. تست آلرژی می‌برای بیماران انجام می‌شود چون دیده شده است که آلرژی موجب شدت گرفتن بیماری می‌شود. در مراحل پیشرفته بیماری داروهای آنتی‌هیستامینی، استروئیدی و داروهای افزایش دهنه‌اند ادرار برای بیمار، تجویز می‌شود و در صورت کنترل‌شدن بیماری با جراحی و تزریق کورتون شبکه‌اندولنف‌را تخریب می‌کنند. هیچ روشی برای جلوگیری از بیماری منییر وجود ندارد اما گاهی بیماری منییر خودش خودبه‌خود درمان می‌شود اگر چه در بعضی موارد هم به کری مطلق می‌انجامد. بهترین توصیه پزشکان برای این بیماران، دوری از استرس و مصرف بسیار محدود نمک است.■

سلامت شماره صدوهشتاد و دو | شنبه بیست‌وشش مرداد هشتادوهفت

هنر، رسانه و سلامت
دکتر مصطفی جلالی‌نخر

۲۷ مرداد، دقیقاً یک سال از آغاز این ستون می‌گذرد. خیلی سال است که در دو حیطه سینما و پزشکی حضور توامان دارم و همواره در پی پیوند میان این دو گستره به ظاهر نام جنس بوده‌ام. از سویی هفت‌نامه سلامت توانسته بود طی سه چهار سال به سبک و زبانی دست یابد که هم با مخاطبان عام ارتباط داشته باشد و هم از موضوعات و زیرشاخه‌های تخصصی سلامت بگوید. کسی گمان نمی‌کرد که نشریه‌ای با این تمرکز موضوعی بتواند تا این حد پرخواننده و خواندنی شود. برایم جالب بود – و هست که استتیک ژورنالیسم هم در حد بالا و حرفه‌ای رعایت می‌شود، چه در گرافیک و تتر زنی و چه در سنجش مداوم خواسته خوانندگان – بی‌آنکه احیاناً در دام‌های زرد گرفتار شود. بنابراین، یک سال پیش که به نوشتن در «سلامت» دعوت شدم، خرسند بودم که این نشریه بهترین بستر دغدغه هنر و سلامت است. با یک تعریف کلی و بر مبنای جزئی‌نگری، این ستون را آغاز کردم. به قول دوستان، یک عنوان فوق تخصصی که استمرار آن در حد ستون ثابت هفتگی بعید که نظر می‌رسید. برای خودم هم حیطه نسبتاً ناشناخته‌ای بود که مسبق به سابقه‌ای نبود. برای اولین بار بود که مطبوعات ایران صاحب چنین گرایشی می‌شدند. برخی نوشته‌های پراکنده و به‌طور عمده متکی بر تحلیل روان‌شناسی شخصیت‌ها نوشته شده بودند؛ اما شاهد نگاهی تا این حد جدی و ریزبینانه به همه شاخه‌های ارتباطی میان این دو نبودیم. جامعه‌ت تعریف سلامت در عصر کنونی و بی مرزی محدوده‌هایی که از سوی هنرمندان دیده می‌شوند، اشتراکات هنر و سلامت را روز به روز بیشتر کرده است. با این ضرورت و با وجود هراس محدودیت‌های موردی و موضوعی، کار را آغاز کردم. مدیر و سردبیر یک نشریه، وقتی با باز شدن یک ستون موافقت می‌کنند که چشم‌انداز مثبتی برای ادامه یافتن و خوب ادامه یافتن آن داشته باشند. اعتماد مسوولان «سلامت» بدون وجود سابقه‌ای در این زمینه فوق تخصصی، رفتار امیدوارکننده و انگیزه بخشی بود. در طول این یک سال، همواره و به‌صورت مرتب (جز چند سه چهار هفته) شاهد انتشار هفتگی این ستون بوده‌ایم. با نگاهی که هم شامل کلیات و پژوهش‌ها می‌شوند و هم به نمونه‌های موردی می‌پردازد. فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی، از این منظر دیده شدند و درباره‌شان نوشتم.

اکنون خوشحالم‌کم که پس از یک سال همچنان ستون‌های این «ستون» پابرجاست و جامعه هنری (به ویژه سینمایی) به این ارتباط حساس‌تر شده است. خطاها کمتر شده و از مشاوران سلامت برای بهتر ساختن آثار خود دعوت می‌کنند. می‌دانند که آثارشان از این منظر رصد می‌شود. یکی دو ماهی است که شبکه سلامت رادیو هم برنامه «صد، دوربین، سلامت» را با همین اهداف آغاز کرده که در ادامه همین راه است. یک سال برای کاری که قصد فرهنگ سازی دارد، تنها در حکم آغاز است. امیدوارم که دیگران هم دست به کار شوند و سلامت را چوچوان هدفی متعالی در هنر و رسانه جست و جو کنیم.■

اشاعه فرهنگ از طریق رسانه‌های جمعی



نقش رسانه ملی در فرهنگ‌سازی جامعه روزبه روز پررنگ‌تر می‌شود. اگر این رسانه نتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند بی‌تردید سلامت روان خانواده به خطر می‌افتد. مصداق بارز این موضوع سریال «مویه ممنوعه» است که پس از گذشت چند ماه از پخش آن شاهد تبعات ناگواری از الگوسازی آن هستیم.

حاج یونس فتوحی در اواخر عمر از عشق هستی نزدیک بود تیشه محکمی به ریشه درخت زندگی خود وارد کند که البته ساقه‌های این درخت از ضریبات این تیشه در امان نماند. عشق امانتی است که خداوند به احسن مخلوقات ودیعه داد تا وجه تمایزی مابین انسان و دیگر مخلوقات جاندار وجود داشته باشد. مرتبه عشق بسیار بالاتر از آن است که به خاطر سرگرم کردن افراد بخوایم آن را در سطح پایین بیآوریم و پیرمردی سالخورده اما مرفه را وارد یک بازی کنیم که تاس آن بازی عشق و مهره‌های آن حاج یونس و هستی باشند.

چرا همیشه در فیلم‌ها باید دو نفر عاشق هم باشند، بالاخره یا به هم برسند یا نه؟ باید از این فیلم‌ها چه آموخت؟ چقدر سرگرمی؟ آیا در سینما و تلویزیون ما فیلمی به جز سرگرمی ساخته می‌شود که جوان ما پس از تماشای آن چنان انگیزه‌ای پیدا کند که کوه را جابه‌جا کند؟ جرعه‌ای در نهاد وی خلایقی وی را متورم کند؟ اگر هم هست شاید در قیاس با فیلم‌های سرگرم کننده به تعداد انگشتان دست هم نیست. از طرف دیگر با به تصویر کشیدن اینگونه مسایل قبح و حیا از میان برداشته شده و جرعه‌های مخرب آن آتش بزرگی بر پا می‌کند که دامن خانواده‌ها را می‌گیرد. از این حاج یونس‌ها و هستی‌ها فراوان‌اند اما نمایش دادن آن از سینما و رسانه ملی…؟

باز از دیگر سو صحنه‌ها در چنان خانه‌هایی با بهتر بگویم در چند کاخ‌هایی به تصویر کشیده می‌شود که شاید از آنها به تعداد معدودی آن‌هم در پایتخت یافت می‌شود. هیچ‌کس از زندگی کردن در چنین خانه‌هایی بدش نمی‌آید ولی آیا همه می‌توانند؟ در زمانی که فقر در جامعه ما به حد اعلای خود رسیده و هیچ چیزی نمی‌تواند آن را مهار کند چگونه می‌توان حتی یک واحد مسکونی کوچک فراهم کرد چه بسود به مائین‌ها و کاخ‌های آن‌چنانی؟ پرورش روحیه تجمل‌گرایی به جای قناعت، ترویج روحیاتی مانند همسر دوم و پای‌بند نبودن به نظام مقدس خانواده آن هم از جانب یک چهره مذهبی به جز آثار زبان‌بار هیچ‌گونه بار مثبتی ندارد. پادمان نرود رسانه ملی آن‌چنان بزرگ و فراگیر شده است که بعد از زمره یکی از بزرگ‌ترین آموزگاران به حساب می‌آید.■